

دفاع اقتصادی

آیا اقتصاد ایران پایدار، به یک اقتصاد پایه - تحریم تبدیل شده است؟



مشارکت بانکها در خرید آن) و احیای سریع اوراق خزانه و انتشار آن توسط وزارت دارایی می‌تواند برای تأمین مالی غیر تورمی، در دستور کار دولت قرار بگیرد.

(۲) ذخیره کالاهای اساسی: نظیر داروهای ضروری و غلات، خصوصاً برنج و گندم.

(۳) استفاده هوشمند از ذخیره درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز: متأسفانه از آغاز تشکیل حساب ذخیره ارزی تا به امروز بیش از ۸۰ میلیارد دلار به این حساب واریز شده ولی فقط ۳ میلیارد دلار (خالص از تعهدات حساب) از آن باقی مانده است. به علاوه، برداشت‌های دولت و حتی تسهیلات بخش خصوصی به آن برنگشته‌اند! تزریق بدون برنامه درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور - چه در صلح و چه در جنگ - و خصوصاً اختصاص آن به امور جاری، نمی‌تواند سیاست درستی باشد.

(۴) تشویق مردم به مصرف بهینه (نه از لحاظ فرهنگی بلکه با سیاست‌های اقتصادی): به عنوان نمونه، یکی از راهکارها در این خصوص، کاهش تورم است. در واقع، وجود تورم بالا یکی از دلایل مصرف‌گرایی (و قلت پس‌انداز) در جامعه می‌باشد. البته در این تلاش، توجه به معیشت و شرایط زندگی مردم باید در اولویت قرار بگیرد.

(۵) جایگزینی محصولات داخلی به جای محصولات وارداتی: به عبارتی، حال که دنیا ما را نمی‌خواهد، ما هم آنها و محصولاتشان را نخواهیم خواست!

(۶) جلوگیری از واردات بی‌رویه و سوق دادن واردات به مواد اولیه و ذخیره آنها: ارجح است فعلاً کمتر به کالاهای مصرفی و حتی کالاهای سرمایه‌ای پیردیزم تا در میان مدت، چرخ تولید بچرخد.

(۷) متنوع سازی اقتصاد و تقویت تولید داخلی با تکیه بر مزیت‌های کاملاً بومی.

(۸) تلاش در بومی کردن تکنولوژی‌های غیر پیشرفته (Low Tech) در کنار سایر فن‌آوری‌ها.

(۹) کاهش مصرف بی‌رویه بنزین (و سایر فرآورده‌های نفتی): ابزار قیمت و اجرای یک سیاست پایه - قیمت می‌تواند به کمک بیاید، زیرا مصرف بی‌رویه، کماکان و حتی با کارت هوشمند ادامه دارد.

(۱۰) توسعه صادرات گاز در عین خدمات رسانی به شهروندان در اقصی نقاط کشور.

(۱۱) تدوین بودجه "سایه" یا "اضطراری".

(۱۲) نگاه به شرق: البته با این ملاحظه که به اجزای تیم‌های گروه روسیه (مثل بلاروس) و گروه چین (مثل کره شمالی) تبدیل نشویم.

(۱۳) رعایت انضباط و ایثار بیشتر دولتمردان و صاحبان قدرت: در این باره گفتنی است، در تاریخ تحریم‌های اقتصادی جهان غالباً دیده شده که مردم عادی - یا به عبارتی هرچه اقشار از مرکز قدرت فاصله می‌گیرند - بیشتر ضرر می‌کنند و رفاه و معیشت آنها بیش از سایر اقشار در خطر تهدید قرار می‌گیرد. آنها اولین افرادی هستند که غالباً بیکار می‌شوند و یا منابع - از هر نوع - در دست‌شان قرار نمی‌گیرد و حتی کودکان اقشار کم درآمد به سوء تغذیه دچار می‌شوند. لذا باید دولتمردان در هنگام تحریم‌ها بیشتر ایثار کنند.

(۱۴) تقویت بنیه نظامی برای افزایش قدرت و یا مقابله با بر خوردهای نظامی احتمالی: البته انشاءالله که جنگی در منطقه - همان طور که رییس جمهور می‌گویند - پیش نخواهد آمد.

اقتصاد کشورمان مجدداً در موقعیت حساسی قرار گرفته است. دو تحریم سازمان ملل و تحریم‌های مالی - بانکی توسط گروهی از کشورهای جهان، علیه ایران در حال اعمال هستند و بدتر آن که، منابع داخلی و بین‌المللی از تحریم‌هایی از نوع "سوم" علیه کشورمان خبر می‌دهند.

ولی تحریم‌هایی که تا به حال برای ایران وضع و اجرا شده‌اند، به قول خود غربی‌ها گاهی نبوده‌اند که پشت کوه ایران را به خاک بمانند. کشورمان ۳۰ سال است با انواع تحریم‌ها روبه‌رو بوده و در این مدت، مکانیزم‌های دفاعی اقتصادی خاص خود را در برابر این تحریم‌ها به کار گرفته است که تا حدی قابل قبول بوده‌اند. به عبارت دیگر، اقتصاد ایران به یک اقتصاد پایه - تحریم (Sanctions-Based Economy) تبدیل شده است. البته گفتنی است، اگر چه خوشبختانه امروز توانسته‌ایم همچنان روی پای خود بایستیم، ولی هزینه داده‌ایم. اگر چه هر تحریمی - مانند یک شمشیر دو لبه - به هر دو طرف ضربه می‌زند، ولی چون ایران به نوعی در مقابل جهان قرار گرفته است (یا دشمنان، این طور اصرار دارند)، هزینه‌های کشوری ما طبیعتاً از هزینه‌های جمعی آنها بیشتر بوده و به عبارت دیگر، هزینه‌های آنها سرشکن شده است. به عنوان نمونه، شاید تفاوت درآمد ملی ناخالص (GNI) سرانه هر ایرانی در مقایسه با کشورهای منطقه، نشانی از هزینه‌های عجین شده با اقتصاد پایه - تحریم ایران باشد که برای استقلال خود پرداخته‌ایم.

ابزارهای دفاع اقتصادی

اقتصاد پایه - تحریم ایران، ویژگی‌های خاصی پیدا کرده و برای کاهش فشارها، عمدتاً دولتی - عمومی باقی مانده است. شرکت‌های بزرگ در بخش دولتی و عمومی کشور اگر چه از دیدگاه مردمی و بخش خصوصی بسته و ناشفاف عمل نموده و با سوء مدیریت و اتلاف‌ها همراه بوده‌اند، ولی به هر صورت در یک اقتصاد غیر بازاری، به تولیدگرایی خود ادامه داده و - با پول نفت - رشد کند ولی قابل قبولی ارایه داده‌اند. شرکت‌های انحصاری دولت در صنایع خودرود، پتروشیمی، بانک و بیمه، بورس، برق، آهن و فولاد از آن جمله‌اند. در حاشیه باید گفت، اگر این فرضیه درست باشد و اقتصاد پایه - تحریم ما نیاز به دولتی و عمومی ماندن به عنوان یک ابزار دفاعی داشته باشد، اجرایی نمودن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغیه مقام معظم رهبری (در بند الف و ج) با مشکل روبه‌رو خواهد بود.

مانه‌تنتوانسته‌ایم از وابستگی به نفت فرار کنیم، بلکه به آن خصوصاً در رابطه با واردات (که از پول نفت جبران می‌شود و شامل کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه است) و با رشد محصول ناخالص داخلی همبستگی شدیدی دارد، وابسته‌تر شده‌ایم. در کنار سایر شاخص‌های وابستگی و به عنوان دو معیار دیگر، درآمد ارزی سرانه، امروز در حدود ۹۵۰ دلار است؛ ولی مالیات سرانه، در سطح ناچیز ۲۶۵ دلار قرار دارد. از سوی دیگر، در بخش فن‌آوری توسعه کافی نیافته‌ایم و به عنوان مثال، تولیدات و صادرات کشورمان با تکنولوژی پیشرفته (Hi-Tech) در حد ناچیز باقی مانده است.

وجود تورم، کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای بین‌المللی، بیکاری، خروج سرمایه، فرار مغزها و امثالهم از سایر موارد منفی است که آنها را می‌توان به پیامدهای اقتصاد پایه - تحریم ایران نیز تفسیر نمود. ولی فراتر از این واکنش‌ها، خوشبختانه ابزارهای دفاع اقتصادی، از جمله موارد زیر، امروز در دسترس هستند که می‌توانند به عنوان اجزای دفاع همه جانبه از کشور مطرح و دنبال شوند.

(۱) اعمال سیاست‌های انبساطی پولی و مالی - بدون پولی نمودن بدهی‌ها: حال که رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کند شده و فرار سرمایه‌ها ادامه دارد، این وظیفه دولت است که به بودجه‌های خود - خصوصاً بودجه‌های عمرانی - بیفزاید. ولی برای کاهش تورم ناشی از این اقدام دولت، باید از دستیازی دولت به منابع بانکی اجتناب کرد و از مزایای بازار سرمایه بیشتر استفاده نمود. اوراق مشارکت (بدون برای سال ۲۰۰۷).

درآمد سرانه منطقه در ۲۰۰۷	
کشور	درآمد ملی سرانه
کویت	۳۰،۶۳۰
امارات	۲۳،۹۵۰
بحرین	۱۴،۳۷۰
عربستان	۱۲،۵۱۰
ترکیه	۵،۴۰۰
ایران	۳،۰۰۰
مصر	۱،۳۵۰
پاکستان	۷۹۳

منبع: پیش‌بینی اقتصاد ایران به دلار، بر اساس روند گذشته، برای سال ۲۰۰۷.

سپر، پاشنه و دیپلماسی

طبیعتاً، اکثر ابزارهای دفاعی باید کوتاه مدت و موقتی تلقی شده یا اجرا شوند. هرچه مناقشه طولانی تر شود، بیشتر به ضرر اقتصاد کشور و خصوصاً مردم عادی است. به علاوه، در روندی بلندمدت تر، ابزارهای کوتاه مدت موقتی با پیامدهای نامطلوبی نظیر گسترش بیکاری، تورم (بیشتر به خاطر سیاست های انبساطی دولت)، خروج سرمایه ها، فرار مغزها، بازارهای بی رونق (مانند بورس)، کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی، کاهش سریع تر ارزش ریال، کندی رشد بهره وری و افزایش واسطه گری بین المللی - به ضرر ۲۵ تا ۳۰ درصدی تولیدکنندگان، تجار و مصرف کنندگان ایرانی - همراه خواهند بود.

به علاوه، نفت ۱۰ دلاری، سپری طبیعی برای ایران است. افزایش تولید (که در برنامه وزارت نفت قرار دارد)، سپر محکم تری علیه تحریم های یکجانبه و چند جانبه ایجاد خواهد کرد. ولی تحریم ها ممکن است مستقیماً روی تولید نفت اثر بگذارند و سپر تبدیل به چشم اسفندیار یا پاشنه آشیل شود. (برای مطالعه موارد تفصیلی تر به صفحات ۳۰-۳۳ رجوع فرمایید.)

لذا باید مراقب باشیم این سپر مهم از دست نرود و آسیب پذیر نشویم. در نهایت باید گفت

استقلال قوای مقننه و مجریه

ذوب در دولت

که چون پرونده ما سیاسی بوده و سیاسی باقی خواهد ماند - واکنش غرب به گزارش اخیر آقای البرادعی این موضوع را روشن تر کرد - همان گونه که در مجامع بین المللی و حتی در خود آمریکا بیشتر و بیشتر صحبت از دیپلماسی است، در ایران هم باید به صورتی واقع بینانه، دیپلماسی فعال و خلاق دنبال شود. در این رابطه، باید به شجاعت آقای احمدی نژاد تبریک گفت. با وجود همه نکات منفی علیه ایران (و علیه شخص ایشان) در مجامع بین المللی، هنوز امیدواری برای حل بحران توسط ایشان وجود دارد.

ولی راه بازگشت را باید باز گذاشت و به اصطلاح تمام پل ها را خراب نکرد. دیپلماسی، به جای جنگ، باید حرف اول را بزند. تحریم ها شمشیر دبله اند و همان گونه که عنوان شد، به صورت فردی به ما بیشتر از جمع جهان ضرر می زند. اگر چه جنگ هم شمشیری دبله و برآتر خواهد بود، اما هزینه هایش ممکن است برای ما سرسام آور باشد. البته ما امروز و هنوز، مانند رئیس جمهور، احتمال جنگ را صفر می دانیم. ولی در غیاب درگیری نظامی، ممکن است درگیری اقتصادی (تحریم ها) شدت یافته و بهمن وار بر اقتصاد ایران و خصوصاً مردم کشور اثر بگذارد.

زمان، سیاسی هوشمندانه را برای پایداری و توسعه همه جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی می طلبد. ■

در نگاه آقای غلامرضا سلامی، عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»، نحوه تعاملات دولت نهم با مجلس هفتم احتمال دارد به انحلال مجلس در دولت منجر شود.

البته رئیس مرکز پژوهش های مجلس اعتقاد دارد دولت، در نهایت، به نظر مجلس تمکین می کند و برای تمام دستگاه هایی که اساسنامه قانونی دارند، ردیف مستقل بودجه ای در نظر می گیرد، ولو این که ۳۰۰ ردیف شوند. حتی اگر این نظر هم تحقق یافته و بودجه فقط در قالب حدود ۳۰۰ ردیف تنظیم شود، باز هم جایگاه نظارتی مجلس به شدت تنزل می یابد. بر اساس اصل ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات به نمایندگی از طرف قوه مقننه، حق حسابرسی کلیه دستگاه های حکومتی را برای احراز این که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد، دارا است. اگر قرار باشد بودجه کل کشور در ۶۰ ردیف و یا حتی ۳۰۰ ردیف تنظیم شود، آنگاه چگونه قوه مقننه قادر خواهد بود بر این که هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد، نظارت کند. بدیهی است، محل خرج باید با جزئیات هرچه تمام تر در لایحه بودجه دولت و ضمیمه آن مشخص و نقل و انتقال بین اعتبارات نیز تابع مقررات باشد تا آنگاه، مجلس از طریق دیوان محاسبات به انجام وظیفه نظارتی مصرح در اصل ۵۵ قانون اساسی، قادر گردد. از طرف دیگر، طبق ماده ۱۳۸ قانون برنامه چهارم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف بوده است تا پایان سال دوم برنامه، نظام بودجه ریزی را از روش موجود و از طریق تعیین قیمت تمام شده فعالیت ها و خدمات و تنظیم لایحه بودجه سالانه بر اساس حجم فعالیت ها و خدمات و قیمت تمام شده آن و بالاخره تخصیص اعتبارات بر اساس عملکرد و نتایج حاصل از فعالیت ها، متناسب با قیمت تمام شده آن، به روش هدفمند تبدیل کند.

حال اگر قرار باشد دولت، لایحه بودجه را طبق مقررات قانون برنامه چهارم به صورت عملیاتی تنظیم کند (که مکلف بوده است این کار را انجام دهد)، در آن صورت، ردیف های بودجه به چند ده هزار بالغ خواهند شد. مثلاً وزارت آموزش و پرورش برای هر دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان باید یک ردیف اختصاص دهد. این موضوع، حداقل در مورد وزارت علوم و وزارت بهداشت در مورد دانشگاه ها (حتی دانشکده ها)، بیمارستان ها و مراکز درمانی نیز مصداق دارد. با این حساب، اقدام دولت در تقلیل ردیف های بودجه به ۶۰ ردیف و توافق ضمنی مجلس به حدود ۳۰۰ ردیف هم مغایر با اصل ۵۵ قانون اساسی و در تقابل با مقررات قانون برنامه چهارم توسعه می باشد. آنچه که تجربه دو سال و اندی نشان می دهد، مجلس در مقابل این خواسته فراقانونی دولت باز هم کوتاه خواهد آمد. ■

پیش بینی این که دولت نهم و مجلس هفتم به دلیل هم سنخ بودن، از تعامل بالایی برخوردار باشند، کارچندان دشواری نبود، ولی هیچ کس تصور نمی کرد این تعامل به انحلال مجلس در دولت منجر شود. علیرغم انتظاری که از مجلس به عنوان یک قوه مستقل با حکم قانون اساسی کشورمان می رود، حداقل از نظر اقتصادی، مجلس هفتم انتظارات را آن طور که باید و شاید برآورده نکرده است. تصمیمات غیرعلمی تثبیت نرخ خدمات کالاهای دولتی و کاهش نرخ بانکی، حتی قبل از این که دولت نهم اراده خود را در این زمینه ها اجرایی کند، در مجلس هفتم اتخاذ گردید و پس از آن، متمم های بودجه سال های ۸۴ و ۸۵ که تمام توان حساب ذخیره ارزی را مصروف جبران هزینه های از پیش خرج شده دولت کرد، صاحب نظران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را بیشتر ناامید نمود.

البته مقاومت ابتدایی مجلس در مقابل بودجه نامتعارف سال ۸۶ می رفت که این ناامیدی را به امید مبدل سازد. ولی در آخرین لحظه، با این آگاهی که بودجه دولت از همان ابتدا با حداقل ۱۰ هزار میلیارد تومان کسری مواجه خواهد بود، بودجه تصویب شد. به موازات و با آن که مجلس و دولت از بودجه جاری ۸۶ به عنوان یک بودجه انقباضی یاد کردند، از همان ابتدا مشخص بود کسری بودجه جاری در بودجه عمرانی ذخیره شده و بنابراین، شاید نیازی به متمم بودجه نباشد؛ فقط با اصلاح آن، بخش مهمی از بودجه عمرانی به بودجه جاری منتقل خواهد شد.

علاوه بر این نمونه ها، مجلس هفتم با تسامح و تساهل، چشم خود را بر تصمیمات مغایر قانون دولت در دو سال اخیر بسته است. توزیع سهام عدالت (که هیچ نوع بستر قانونی نداشته) یا انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی و نرخ گذاری کالاها و خدماتی که طبق قانون برنامه چهارم باید از شمول قیمت گذاری خارج می شدند، از جمله مواردی هستند که با بی تفاوتی مجلس روبه رو بوده اند. ولی ظاهراً قرار است مهمترین غفلت مجلس هفتم، به عنوان مجمع نمایندگان دولت، در شکل عدول از وظیفه نظارت بودجه ای در واپسین ماه های دوران چهار ساله آن خودنمایی کند. به تعبیر یکی از نمایندگان مجلس، در نظر است بودجه و نظام بودجه ریزی کشور سیاسی شود که در این صورت، ظلم بزرگی در حق ملت و توسعه کشور خواهد بود. به گفته ایشان، انحراف بزرگی در نظام تقنینی بودجه در حال وقوع است و پشت درهای بسته و بدون اتکا به نظام کارشناسی و بی اعتنا به جایگاه قانونی مجلس، مراحل تصویب بودجه منحرف می شود که این امر، جایگاه تقنینی و نظارتی مجلس را به شدت مخدوش خواهد ساخت.